

کلیات تدریس زبان بیگانه

بقلم آقای سعید نفیسی

زبان برای هر طبقه ای وسیله یافتن مقصودی است که همان مقصود را طبقه دیگری ممکن است نداشته باشد. زبان بخودی خود علم نیست و از اقسام کونا کون دانش بشری بشمار نتواند آمد. بلکه کلیدیست برای گشادن گنجینه دانش، وسیله ایست که بدان می توان بر معارف بیگانگان پی برد و از بهره های علمی و ادبی آن کامیاب شد. برای محصلین و کسانی که می خواهند تمام زندگی خویش را در سرای دانش بگذرانند و کتاب و دفتر را هم نشین تمامت عمر خویش سازند زبان دانستن اصول دیگری دارد و برای کسانی که می خواهند بدان زبان سوداگری کنند یا کالای خویش را بفروشند و یا چیزهای آسان روزانه زندگی را بدان ادا کنند اصول دیگری دارد.

درین اواخر در مدارس ما معمول شده است که زبانهای اروپائی را با اصولی که سهل و ساده فرض کرده اند تعایم می کنند، مثلاً بطریقه برلیتس (Berlitz) یا بطریقه شواتزر (Schwitzer) یا امثال آن بنویسند. این طریقها را می آموزند. این طریقها عملی یا با اصطلاح فنی Synthétique برای کسانی خوبست که می خواهند فوراً بدان زبان لب بکشند و در کوی و برزن خرید و فروش یا سؤال و جواب روزانه خود را تأمین کنند. برای کسانی که در آینده در سلک دانشمندان ایران وارد خواهند شد زبانهای اروپائی بهره دیگری می بخشد. ایشان می خواهند در فن خود از کتابهای علمی اروپا که هنوز بزبان فارسی ترجمه نشده مستفید شوند. بهمین جهت است که برای ایشان بهترین طریقها آن طریقها است که در اصطلاح فنی طریقه اساسی «méthode rationnelle» می نامند. طریقه اول یا طریقه عملی فوراً لغات محاورات معمولی را بشاگرد می آموزد، کلماتی چند مانند اسماء ذات و اشیاء ضروری زندگی یا یکی دو صیغه از افعال بسیار رایج و یکی چند صفت و ضمیر لازم تعایم می کند، اغلب دروس تکرار مکررات درس گذشته است زیرا که همان کلمات پیوسته مکرر می شود و تا مدتی ممکن است شاگرد با حفظ جدید و صیغه تازه بر نخورد. البته جوانی که با این اصول زبان را بیاموزد از همان ماه اول می تواند در کوی و بازار کلام خود را از آب برون آورد ولی قطعی است که حتی تا چندین سال از هیچ کتاب علمی یا ادبی حظ بر نمی دارد.

جوان ایرانی که از سال اول متوسطه در میان سن سیزده و پانزده سالگی بتحصیل زبان اروپائی آغاز می کند این زبان برای او مفید است که در آئینه بتواند بوسیله آن از کتاب طب و ریاضیات و طبیعیات و حقوق و ادبیات و غیره که در زبان او نیست بهره مند گردد و اگر در تمامت عمر خویش هم نتواند بدان زبان مکالمه کند چندان زیان نبرده است، وانگهی کسی که خواندن و نوشتن و اشتقاق و صرف و نحو زبانی را بخوبی فرا گرفت پس از یکی دو ماه ممارست و عادت بتلفظ آن زبان از عهد سخن گفتن نیز برمی آید و از طرف دیگر مانعی نیست که در همان حین

آموختن زبان بطریقهٔ اساسی تلفظ و محاوره را نیز باو بیاموزند . بچنین جوانی زبان را بطریقهٔ دیگر باید آموخت ، بدین معنی که باید پس از یاد گرفتن خط و تلفظ هجاها (سیلاب ها) فوراً قواعد صرف و نحو و اشتقاق اسم و فعل را باو آموخت . چون این جوان صرف و نحو زبان فارسی را آموخته و اسم و فعل و ضمیر و غیره را می شناسد برای تعریف اسم بافعل یا صفت و ضمیر معلم بهیچ مشکلی بر نمی خورد و از سن سیزده تا پانزده سالگی عقل و مدرك شاگرد بعد لزوم رشد کرده است که بتوان اصول صرف و نحو و اشتقاق زبان بیگانه ای را باو آموخت . همین که يك سال درین قسمت کار کرد از سال دوم باید فوراً او را براه عمل انداخت بدین معنی که دائماً باید در خواندن و نوشتن و گفتن تمرین کند . چون قواعد صرف افعال و اشتقاق اسماء و صفات را می داند بهر کلمه ناشناسی که برخورد بهمان اصولیکه آموخته است بمعنی آن پی میبرد و شکلی نیست که پس از دو سه سال کاملاً در آن زبان ورزیده و مجهز شده است .

در دیار ما معمول شده است که بشاگرد مبتدی در زبان بیگانه کتابهایی را که برای سنین اول تحصیل در اروپا نوشته اند می دهند . قهراً درین کتاب ها الفاظ و معانی بسیار ساده و بسیط است ، زیرا که برای کودک هفت ساله که تازه در مرحله تحصیل وارد شده است تدوین یافته و ذهن او تحمل بیشتر از آنرا نمی کند ، بهمین جهت درین کتابها محسوسات و اسماء ذات را بکار برده اند ، زیرا که کودک نوآموز هنوز استعداد درک اسماء معنی و جمل و عباراتی را که اندکی مشکل باشد ندارد . برای جوان سیزده تا پانزده سالهٔ ایرانی این کتاب ها وقت بهدر دادند ، زیرا که جوان درین سن استعداد فهم جمل مشکل را نیز دارد و بمحض اینکه معنی الفاظ آنرا بذهن خود نشانند آن جمله را می فهمد ، چنانکه همان معانی را بزبان خود درک میکند .

ناچار برای تعلیم زبانهای اروپائی در مدارس متوسطهٔ ایران کتابهای خاصی باید آماده کرد . درین کتابها در سال اول فقط باید قواعد خط و خواندن و نوشتن زبانهای اروپائی را آموخت ، باین معنی که نخست تلفظ حروف مصوت و غیر مصوت را تعلیم میکنند سپس هجاها و اصوات مرکب Diphtongue را ، پس از آن افعال با قاعده را که درضمن اشتقاق اسم و صفت و معین فعل Adverbe را از فعل درس دهند . قرائت و مکالمه با این اصول باید توأم باشد ، یعنی قطعانی که در تمرین همان قواعد تالیف و تالیق یافته باشد ترتیب می دهند و معلم را بخواندن و ادا کردن آن وادار می سازند و بدین وسیله تلفظ را دوست میکنند و عادت بمحاوره و مکالمه را درو تولید میکنند . در سالهای بعد متدرجاً قواعد مشککتر اشتقاق و افعال بی قاعده را بشاگرد می آموزند و با همان اصول قرائت و مکالمه و محاوره و تمرین را بدان ضمیمه میکنند .

برای این کار بشش مجلد کتاب خاص که در ایران بدست ایرانی و برای ایرانی تدوین یافته باشد ضرورتست که در شش سال متوسطه رهنمای محصلین ما باشد و بدین نهج کتابهای درسی چاپ اروپا که هر سالی مبالغی از وجوه مملکت در پی آن می رود دیگر ضرور نیست ، هم صرفهٔ مادی رعایت شده است و هم صرفهٔ معنوی .

بهرهٔ دیگر این روش خاص تعلیم زبان بیگانه اینست که این جوانان که قهراً باید روزی علمی را اختیار کنند و در فنی متخصص شوند احتیاج بسیار مبرمی باصطلاحات جدید آن علم دارند که متأسفانه تا کنون بزبان فارسی ترجمه نشده و شاید عدد کثیر آنها ترجمه ناپذیر

باشد و اگر هم روزی ترجمه کنیم چون در میان اکثریت ملل متمدن امروز رایج است باز باید اصل آنرا بدانیم. بی بردن بکنه معانی این اصطلاحات ممکن نیست مگر اینکه اصول اشتقاق زبان های اروپائی را بدانیم و این اصول درطریقه های عملی مطلقاً جا ندارد و از همان مرحله نخستین باید با ذهن شاگرد توأم شود و درمراحل دیگر چندان در آن تمرین کند که ملکه او بشود.

اما طریقه عملی البته باید برای کسانیکه زبان را برای حاجت علمی نمیخواهند کما- فی السابق ملحوظ ومرعی باشد و در مدارس فنی و تجارتی و غیره متروک نگردد و حتی باید جنبه عملی آنرا بیش از پیش توسعه داد و زبان را از راه گوش بنو آموزان یاد داد نه از راه چشم، یعنی بوسیله محسوسات و تصویرات خارجی و حتی صفحه گرامفون و قرائت باجماع و غیره و نه بوسیله مرور بکتاب و تمرین روی کاغذ.

آن کتابهاییکه تاکنون معمول بوده در جای دیگر نیز مفید فائده است و آن برای کودک هفت ساله ایست که در همان حینیکه بخواندن خط فارسی آغاز میکند در همان حین هم (شاید بخواهند) بخواندن زبان بیگانه شروع میکند.

سعید نفیسی

از اقوال بزرگان ما در باب تعلیم و تربیت :

... پس باید که هرچه آموختنی باشد از فضل و هنر فرزند را بیاموزی تا حق پدري و شفقت پدران بجای آورده باشی که از حوادث عالم ایمن نتوان بود و نتوان دانست که بر سر مردمان چه گذرد. هر هنری و فضلی روزی بکار آید پس در فضل و هنر آموختن تقصیر نباید کردن.

... چنان کن که دانش آموختن را وقتی پیدا کنی تا در هر وقت و بهر حال که باشی یکساعت بر تو نگذرد که دانشی بیاموزی اگرچه در آنوقت دانائی حاضر نباشد از نادانی بیاموز که دانش از نادان نیز شاید آموخت.

نقل از قابوسنامه تالیف امیر کیکاوس بن اسکندر.

شیخ ما (مراد شیخ ابوسعید ابوالخیر است) گفت که: «من لم یتادب باستاناد فهو بطل و کل حال و وقت لایکون من العلم و عن نتیجه المجاهدة و ان حل فضرره اکثر من نفعه.»

از اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید